

الهی تو را دارم؛ چه کم دارم، پس چه غم دارم.
(الهی نامه، عاشره حسن زاده آملی)

مهرنگ

کاری از مجبین اهل بیت (علیهم السلام)
شماره ۱۵ - فروردین ماه ۱۳۹۳

عارفانه

خدایا

می‌شود چند لحظه وقتتو بگیرم
این رفعت چیزی ازت نمی‌خواهم
فقط می‌خواهم خیلی ساده بگویم
ممنونم برای همه چی

جمعی از یکی از اولیاء خدا درخواست نصیحت کردند. فرمود: «هر کدامتان میدانند کی می‌میرد دستش را بالا برد!» کسی دست بالا نبرد. سپس فرمود: «هر که برای مرگ کاملاً آماده است دست بالا گیرد!» باز هم کسی نبود. فرمود: «در حیرتم از گروهی که نه وقت رفتنشان را می‌دانند و نه آماده‌ی سفرند!!!»

آن چیزی که ارزش دارد مقام قرب پروردگار است و این مقام محقق نمی‌شود مگر از طریق خانم حضرت زهرا (س)

آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی (ره)

امام صادق (ع) فرمود: در آیه انا انزلناه فی لیلۃ القدر، منظور از لیلۃ القدر، حضرت فاطمه (س) است و منظور از قدر، خداوند است. پس کسی که حضرت فاطمه (س) را بشناسد آنطور که شایسته است در حقیقت لیلۃ القدر را شناخته است و اینکه فرمود لیلۃ القدر خیر من الف شهر، منظور این است که حضرت فاطمه (س) از هزار مومن بالاتر است زیرا ایشان ائمه‌المومنین است و اینکه فرمود تنزل الملائکة و الروح فیها، منظور حضرت فاطمه (س) است.

آیت‌الله حسن زاده آملی

«تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیها السلام جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است؛ یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان [بوده] تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان [است]. او زن معمولی نیست او موجودی ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است... تمام هویت‌های کمالی که در انسان متصور است و در زن تصور دارد، تمام در این زن است... زنی که تمام خاصه‌های انبیا در او است؛ زنی که اگر مرد بود، نبی بود؛ زنی که اگر مرد بود به جای رسول الله بود... انسانی است به تمام معنی انسان، زنی است به تمام معنی زن... رسیده است به مرتبه‌ای که دست همه از او کوتاه است...».

حضرت امام خمینی (ره)

اگر بی تفاوت باشیم و برای رفع گرفتاریها و بلاهایی که اهل ایمان بدان مبتلا هستند دعا نکنیم، آن بلاها به ما هم نزدیک خواهد بود.

آیت‌الله بهجت (ره)

فاطمه

اول خدای علی از چه خاموشی
حیدر سینه پوشیده و تو فلن پوشی

شکست در نهضت
کده برای خدا باشد
نرسد

سؤال نقش مردم در حکومت اسلامی چیست؟

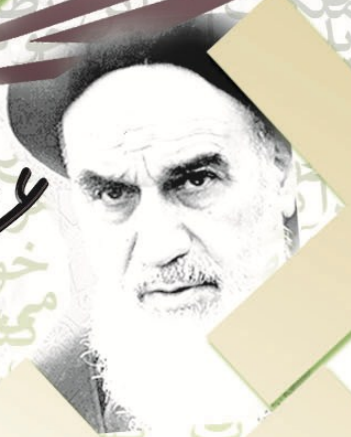
نقش مردم در دو جنبه قابل بررسی است:

یکی در مشروعیت بخشیدن به حکومت اسلامی و دیگری در عینیت بخشیدن به آن.

به اتفاق نظر مسلمانان مشروعیت حکومت پیامبر اکرم (ص) از سوی خدای متعال بوده است؛ یعنی خدا حق حکومت را به ایشان عطا فرمود و رأی و نظر مردم هیچ نقشی در مشروعیت حکومت آن حضرت نداشت. ولی در تحقق حکومت پیامبر (ص) نقش اساسی از آن مردم بوده؛ یعنی آن حضرت با یک نیروی قهری حکومت خویش را بر مردم تحمیل نکرد، بلکه خود مسلمانان از جان و دل با پیامبر بیعت کرده، با رغبت حکومت نبوی را پذیرا شدند. کمکهای بی دریغ مردم بود که باعث تحکیم پایه های حکومت پیامبر گشت.

در مورد مشروعیت حکومت امامان معصوم (ع) میان اهل تسنن و شیعیان اختلاف نظر وجود دارد. اهل تسنن بر این عقیده اند که حکومت هر کس بجز رسول الله (ص) با رأی مردم و بیعت آنان مشروعیت می یابد. آنها معتقدند اگر مردم با حضرت علی (ع) بیعت نکرده بودند، حکومت آن حضرت نامشروع بود. ولی شیعیان معتقدند مشروعیت حکومت ائمه معصومین (ع) با نصب الهی است، یعنی خدای متعال است که حق حکومت را به امامان معصوم (ع) واگذار کرده است، و پیامبر اکرم نقش مبلغ را در این زمینه داشته اند. ولی در تحقق بخشیدن به حکومت ائمه (ع) بیعت و همراهی مردم نقش اساسی داشته است، از این رو علی (ع) با اینکه از سوی خدا به امامت و رهبری جامعه منصوب شده بود و حکومت ایشان مشروعیت داشت ولی ۲۵ سال از دخالت در امور اجتماعی خودداری کرد، زیرا مردم با ایشان بیعت نکرده بودند. ایشان با توسل به زور حکومت خویش را بر مردم تحمیل نکرد. در مورد دیگر ائمه نیز همین سخن درست است.

عشق امام



حاکمیت فقط حق خداست، و
امامان معصوم از سوی خدا
حق حاکمیت بر مردم یافته اند

یا قاضی الامر

حکومت اسلامی در عصر غیبت

درباره حکومت در زمان غیبت معصوم باید گفت:

از آنجا که در نظر اهل تسنن زمان حضور امام معصوم (ع) با زمان غیبت تفاوتی ندارد زیرا آنها امامت بعد از پیامبر را آن گونه که در شیعه مطرح است قبول ندارند. مشروعیت حکومت با رأی مردم است؛ یعنی سنی ها معتقدند با رأی مستقیم مسلمانان یا تعیین خلیفه قبلی و یا با نظر شورای حل و عقد حکومت یک شخص مشروعیت می یابد. فقهای شیعه به جز معدودی از فقهای معاصر بر این باورند که در زمان غیبت، «فقیه» حق حاکمیت دارد و حکومت از سوی خدا به وسیله امامان معصوم (ع) به فقها واگذار شده است. پس در زمان غیبت مشروعیت حکومت از سوی خداست نه از سوی آرای مردم. نقش مردم در زمان غیبت فقط عینیت بخشیدن به حکومت است، نه مشروعیت بخشیدن به آن.

حاکمیت فقط حق خداست، و امامان معصوم از سوی خدا حق حاکمیت بر مردم یافته اند. اگر نظر مردم در مشروعیت حکومت دخالت داشته باشد، باید هر زمان که مردم نخواستند فقیه حاکم باشد، حکومت او نامشروع باشد، ولی فقیه در زمان غیبت حق ولایت دارد این حق با موافقت مردم تحقق عینی می یابد.

پرسش ها و پاسخ ها، ج ۱، آیت الله مصباح یزدی



تقسیم روزی

رسول خدا (ص) بر من گذشت ، در حالی که در خواب صبحگاهی بودم، مرا با پایش تکان داد و فرمود: دخترم بر خیز شاهد رزق و روزی پروردگارت باش و از غافلان مباش . زیرا که خداوند روزی های مردم را بین طلوع فجر تا طلوع آفتاب تقسیم می کند.

مسند فاطمه الزهراء (س) ، ص ۲۱۹

نخواب مگر...

حضرت زهرا(س) می فرمایند در وقتی که بستر خواب را گسترده بودم، رسول خدا(ص) بر من وارد شد، فرمود: ای فاطمه نخواب مگر آن که چهار کار را انجام دهی: قرآن را ختم کنی، و پیامبران را شفیعت گردانی، و مومنین را از خود راضی کنی، و حج و عمره ای را به جا آوری. این را فرمود و شروع به خواندن نماز کرد، صبر کردم تا نمازش تمام شد، گفتم: یا رسول الله به چهار چیز مرا امر فرمودی در حالی که بر آنها قادر نیستم آن حضرت تبسمی کرد و فرمود: چون قل هو ا... را سه بار بخوانی مثل این است که قرآن را ختم کرده ای و چون بر من و پیامبران پیش از من صلوات فرستی، شفاعت کنندگان تو در روز قیامت خواهیم بود و چون برای مومنین استغفار کنی، آنان همه از تو راضی خواهند شد و چون بگویی: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر حج و عمره ای را انجام داده ای.

بهبه ج ۱، ص ۳۰۴

سستی در نماز

حضرت زهرا(س) می فرمایند از پدرم رسول خدا (ص) درباره مردان و زنانی که در نمازشان سستی و سهل انگاری می کنند، پرسیدم. آن حضرت فرمودند: هر زن و مردی که در امر نماز سستی و سهل انگاری داشته باشد، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می گرداند:

- * خداوند برکت را از عمرش می گیرد.
- * خداوند، برکت را از رزق و روزی اش می گیرد،
- * خداوند، سیمای صالحین را از چهره اش محو می کند،
- * هر کاری که بکند بدون پاداش خواهد ماند،
- * دعایش مستجاب نخواهد شد،
- * برایش بهره ای از دعای صالحین نخواهد بود،
- * ذلیل خواهد مرد،
- * گرسنه جان خواهد داد،
- * تشنه کام خواهد مرد، به طوری که اگر با همه نهرهای دنیا آبش دهند، تشنگی اش برطرف نخواهد شد،
- * خداوند، فرشته ای را برمی گزیند تا او را در قبرش ناآرام سازد،
- * قبرش را تنگ گرداند،
- * قبرش تاریک باشد،
- * خداوند فرشته ای را بر می گزیند تا او را به صورتش به زمین کشد، در حالی که خلاق به او بنگرند،
- * به سختی مورد محاسبه قرار گیرد،
- * و خداوند به او ننگرداو او را پاکیزه نگرداند و او را عذابی دردناک باشد.

مسند فاطمه الزهراء ، ص ۲۳۵



میتاق مقلس

شرایط ازدواج موفق

اولین موضوعی که در زمینه سازی ازدواج از شرایط ازدواج موفق به شمار می آید، کسب اطلاعات لازم برای ازدواج است. گاه به دلیل عدم اطلاع از برخی قوانین و مسائل، انسان دچار سردرگمی و مشکلات بفرنج می شود. بنابراین جوانی که قصد ازدواج دارد، لازم است چندین کتاب در این خصوص مطالعه کند. جوان پسری که قصد ازدواج دارد، لازم است چند کتاب پیرامون شخصیت زن مطالعه کند. دختر خانم ها نیز باید در ارتباط با روحیات و شخصیت آقایان مطالعاتی داشته باشند.

پسران جوان نباید به شناخت ظاهری خود که از شخصیت مادر و خواهر خود کسب کرده اند اکتفا کنند. دختر خانم ها نیز نباید به شناخت ظاهری که از شخصیت پدر و برادران خود کسب کرده اند اکتفا کنند. البته شناخت نسبت به جنس مخالف تنها از راه مطالعه کسب نخواهد شد و گاه مشاوره با بزرگانی که در این امر خبره هستند، می تواند به شما بسیار کمک کند. زیرا کسب اطلاعات از جنس مخالف در شیوه ی رفتار و خواستگاری و آداب و رسوم و روش های خواستگاری مؤثر است. فرق فرد تحصیلکرده با فرد عامی و بی سواد در این است که اگر فرد تحصیلکرده بخواهد عازم مکه شود در پی مطالعه ی کتابهایی در زمینه ی حج است ولی فرد عامی صرفاً می گوید می خواهم به مکه بروم. استاد محمد تقی جعفری می فرمودند:

آیا برای ۵۰ سال زندگی مشترک نمی خواهید ۵۰ ساعت وقت بگذارید، فکر کنید، مطالعه کنید یا به سخنرانی بزرگان در این زمینه گوش دهید؟! یکی از مشکلات اساسی در ازدواج جوانان این است که متأسفانه بسیاری از آنها خودشان را غنی و بی نیاز از فراگیری مسائل زندگی می دانند. اگر بخواهند به آنها پند و اندرز بدهند، بی درنگ می گویند ما خودمان می دانیم. در حالی که در جهل مرکب به سر می برند؛ یعنی نمی دانند که نمی دانند! انسان تا اقرار به جهل خویش نکند، به دنبال علم نمی رود. هر چند در بسیاری از زمینه ها تخصص داشته باشید، قطعاً در مسأله ی ازدواج متخصص نیستید. شناخت شما از جنس مخالف در حد شناخت خواهر و مادر و یا برادر و پدر است و این برای شروع یک زندگی طولانی کفایت نمی کند جمع بندی مطالب آنکه، قبل از هرگونه اقدامی باید:

۱. اگر قصد ازدواج داری، ضروری است، اطلاعات لازم در این زمینه را کسب کنی.

۲. اگر به دنبال اطلاعاتی در زمینه ی ازدواج هستی، به کتب و لوح های آموزشی معتبر یا مشاوران آگاه مراجعه کن.

۳. در امر مهمی چون ازدواج دقت در انتخاب منبع کسب اطلاعات امری بدیهی است، منبعی را انتخاب کن که با آموزه های دین، فرهنگ و عرف جامعه ها هماهنگی داشته باشد.

۴. سعی کن قبل از اقدام به ازدواج در مورد روحیات، خلقیات جنس مخالف، مطالعاتی داشته باشی.

۵. با وظایف و حقوق زن و مرد در زندگی مشترک آشنا باش.

برگرفته از: مطلع مهر، امیر حسین بانکی پور فرد

به رنگ خدا!؟

کارت عروسی

می خواست برای عروسیش کارت دعوت بنویسه اول رفته بود سراغ اهل بیت.

یک کارت نوشته بود برای امام رضا (ع) مشهد!

یک کارت برای امام زمان (ارواحنا فراه) مسجد جمکران!

یک کارت هم به نیت حضرت زهرا (س) انداخته بود توی ضریح حضرت معصومه!

قبل از عروسی بی بی بهش فرموده بودند: "چرا دعوت شما را رد کنیم؟ چرا به عروسی شما نیایم؟ کی بهتر از شما؟ بین همه آمدیم! شما عزیز ما هستی"

به حضرت زهرا می گوید: خانم! قصد مزاحمت نداشتم، فقط می خواستم احترام کنم.

حضرت زهرا سلام... علیها پاسخ می دهند: «مصطفی جان! ما اگر به مجالس شما نیائیم

به کجا برویم؟»

شهید مصطفی ردانی پور

افسر عراقی

دستور داده بود از طرفی که ایرانی آب میخورد کس دیگری آب نخورد

به هیچ کس اجازه نمیداد با ایرانی ها هم کلام شود

همیشه انتظار سلام داشت اما به سلام ها پاسخ هم نمی داد

:

به التماس افتاده بود و سر بند «یافاطمه الزهرا» را امانت میخواست

میگفت: زنم مریضه تیرکش میکنم. میارمش

گرفت و بوسید و به چشمانش مالید و رفت

بعد از چند روز با شادی آوردش. زنش شفا گرفته بود.

دعای این افسر عراقی هم شده بود: اللهم الرزقنا توفیق الشهداء فی سبیلک



امانتی حضرت زهرا (س)

خانمی باردار بود و همسرش به او گفت بیا نرویم کربلا ممکن است بچه از دست برود.

کربلا رفتند حال خانم بد شد و دکتر گفت بچه مرده.

این خانم با آرامش تمام گفت درست می شود فقط کارش این است که بروم کنار ضریح

امام حسین بعد خودشان هوای مان را دارند!

در کنار ضریح امام حسین وقتی چند وقت گریه کرد می بیند که بانویی یک بچه را توی

بغلش گذاشته بعد که میرود پیش دکتر؛ دکتر می گوید این بچه همان بچه ای که مرده بود

نیست! معجزه شده!

می دانید این خانم کیست؟ مادر حاج ابراهیم همت که وقتی سر بچه اش جدا شد و خواست

جنازه بچه را داخل قبر بگذارد به حضرت زهرا گفت خانم امانتی تان را بهتان برگرداندم.

زندگی زیباست، اما شهادت از آن زیباتر است.
سلامت تن زیباست، اما پرنده عشق تن را
قصی می بیند که در باغ نهاده باشد.

زهرا(س) اسوه حسنه‌ی مولا

امام زمان(ع) در توقیعی به خط مبارک خود، بعد از دعا برای عافیت شیعیان از ضلالت و فتنه‌ها و درخواست روح یقین و عاقبت به خیری آنها و تذکر به اموری چند می‌فرمایند: و فی ابْنَةِ رَسُولِ... (ص) لِي أَسُوَّةٌ حَسَنَةٌ [الغيبه، طوسی، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵] دختر پیامبر خدا(ص) برای من الگوی نیکویی است. در اینکه حضرت مهدی(ع) کدام گفتار یا رفتار حضرت فاطمه(س) را سرمشق خویش قرار داده‌اند، احتمالات فراوانی بیان شده است که در اینجا به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

- ۱) حضرت فاطمه زهرا(س) با هیچ حاکم ظالمی بیعت نکرد. حضرت مهدی(ع) هم بیعت هیچ سلطان ستمگری را بر گردن ندارد.
 - ۲) شأن صدور این نامه این است که برخی از شیعیان امامت ایشان را نپذیرفتند. حضرت در جواب عملکرد آنها فرمودند: اگر می‌توانستم و مجاز بودم آنچنان می‌کردم که حق بر شما آشکار شود. به گونه‌ای که هیچ شکی بر شما باقی نماند ولی مقتدای من حضرت زهرا(س) است. ایشان با اینکه حق حکومت از حضرت علی(ع) سلب شد، هیچ گاه برای بازگرداندن خلافت، از اسباب غیرعادی استفاده نکردند. من نیز از ایشان پیروی می‌کنم و برای احقاق حق در این دوران راه‌های غیر عادی را نمی‌پیمایم.
 - ۳) حضرت مهدی(ع) در پاسخ نامه فرموده‌اند: اگر علاقه و اشتیاق ما به هدایت و دستگیری از شما نبود به سبب ظلم‌هایی که دیده‌ایم، از شما مردمان روی گردان می‌شدیم.
- امام زمان(ع) با اشاره به حضرت فاطمه زهرا(س) می‌خواهند بفرمایند: همان طوری که دشمنان به حضرت فاطمه زهرا(س) آزار و اذیت روا داشتند و سکوتی که مسلمانان پیشه کردند، هیچ کدام سبب نشد که ایشان از دعا برای مسلمانان دست بکشند، بلکه دیگران را بر خود مقدم می‌داشتند من نیز این ظلم‌ها و انکارها را تحمل می‌کنم و از دل سوزی و دعا و راهنمایی و ... برای شما چیزی فرو نمی‌گذارم.
- منبع: موعود شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، انتشارات مسجد مقدس جمکران

صبح و شام فرج را انتظار کشید

يَعْبُرُونَ
لِللَّاحِلُونَ
الْحَجْرَةَ

سؤال

سؤال فاطمه(س) بعد از ظهور امام زمان(عج) رجعت می‌کند؟

حدیثی در منابع روایی وجود دارد که حکایت از رجعت حضرت زهرا(س) بعد از ظهور امام زمان(عج) دارد. داستان رجعت آن حضرت در ضمن روایتی طولانی که در پرسش مفضل از امام صادق(ع) مطرح شده، آمده است: مفضل می‌گوید از امام صادق(ع) پرسیدم: آقا، آیا پیامبر(ص) و علی(ع) با قائم(عج) خواهند بود؟ فرمود: آری، و ... پیامبر(ص) و علی(ع) ناگزیر می‌باید قدم روی زمین بگذارند... ای مفضل! گویا می‌بینم که ما ائمه آن موقع جلوی پیامبر جمع شده و به آن حضرت شکایت می‌کنیم که امت بعد از وی چه به روز ما آوردند، و می‌گوییم امت، ما را تکذیب کردند: بی‌اعتنایی، نفرین، لعنت و تهدید به قتل نمودند، حاکمان ستمگر آنها ما را از وطن بیرون آورده به پایتخت خود بردند و جمعی از ما را با سم و حبس کشتند. در این وقت پیغمبر سخت گریه می‌کند و می‌فرماید ای فرزندان من! هر چه به شما رسید بیشتر به جد شما رسید.

آن گاه فاطمه زهرا(س) می‌آید و از ظلم‌هایی که در حق او و همسرش شده و غضب فدک، ملک خود توسط آنها، و رفتن به میان مهاجران و انصار و ایراد خطبه اش درخصوص غضب فدک، شکایت می‌کند. سپس نقل می‌کند که چگونه جمعی امیرالمؤمنین(ع) را از خانه خود برای بیعت گرفتن در سقیفه بنی ساعده بردند... (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷)

بنابراین، طبق این روایت که مفضل از امام صادق(ع) نقل می‌کند، حضرت فاطمه(س) نیز از رجعت کنندگان خواهند بود.

سؤال پرسش

چگونه می‌توان با وجود آنکه با وجود علی (ع) در درون منزل، همسر او برای باز کردن در خانه برود! چرا خود علی (ع) برای باز کردن در نرفت؟

اولاً: آن چه که از برخی از روایات استفاده می‌شود: حضرت فاطمه (س) نزدیک در ورودی منزل نشستند بود و با دیدن عمر و همراهان وی، در را به روی آنان بست: «عمر گفت: برخیزید تا پیش او (علی) برویم، پس ابوبکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابو عبید جراح، سالم مولی ابو حذیفه، قنفذ و من به همراه او راه افتادیم، چون نزدیک خانه رسیدیم، فاطمه آنان را دید و لذا در را بست و شک نداشت که بدون اجازه وارد نخواهند شد، عمر در را که از شاخه‌های خرما ساخته شده بود، با لگد شکست، سپس وارد خانه شدند و علی را بیرون آوردند در حالی که کمرهای خود را بسته بودند» (تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۶۷-الاختصاص ص ۱۸۶-بحار الأنوار، ج ۲۸، ص ۲۲۷) و در روایت سلیم نیز آمده:

«عمر آمد تا به خانه رسید، فاطمه پشت در نشست بود، سرش را بسته بود و بدنش از غم از دست دادن پدر نحیف و لاغر شده بود، عمر در را کوبید و گفت: ای پسر ابوطالب! در را باز کن، فاطمه فرمود: ای عمر به ما چه کار داری؟ ما را با مصیبتی که گرفتارش شده‌ایم تنها بگذار. عمر گفت: در را باز کن و گرنه آن را به آتش می‌کشم. فاطمه فرمود: آیا از خداوند نمی‌ترسی که وارد خانه ما می‌شوی، عمر باز نگشت و آتش خواست و آتش را بر در خانه افکند و آن را سوزاند» (کتاب سلیم بن قیس، ص ۸۶۴) ثانیاً: حضرت صدیقه شکی نداشت که جمعیت بدون اذن داخل منزل نخواهند شد؛ چون نص قرآن است که بدون اجازه وارد خانه کسی نشوید: در خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیری... وارد نشوید تا به شما اجازه داده شود. (النور ۲۷ و ۲۸)

خانه فاطمه، برتر از خانه پیامبران

و از طرفی خانه انبیاء احترام ویژه‌ای دارد که کسی حق ورود بدون اجازه ندارد: ای افرادی که ایمان آورده‌اید! در خانه‌های پیامبر داخل نشوید مگر به شما اجازه داده شود (الأحزاب ۵۳) و شکی نیست که خانه حضرت صدیقه طاهره خانه پیغمبر محسوب می‌شود همانطوری که در تفاسیر متعدد اهل سنت ذیل آیه شریفه ۳۶ سوره مبارکه نور به این امر اشاره شده است.

سیوطی و دیگران از قول ابوبکر از نبی مکرم (ص) نقل کرده‌اند که خانه علی و زهرا علیهما السلام از با فضیلت‌ترین خانه‌های انبیاء محسوب می‌شود: (الدر منثور ج ۶، ص ۲۳-الکشف والبيان، ج ۷، ص ۱۰۷)

افزون بر این تصور این بود که با توجه به موقعیت حضرت زهرا (س) و احترام رسول اکرم (ص) مردم با دیدن حضرت صدیقه خجالت بکشند و متعرض نشوند همچنان که عده‌ای با شنیدن صدای حضرت صدیقه برگشتند. «عمر همراه عده‌ای به طرف خانه فاطمه آمد و در را کوبید، فاطمه با شنیدن سر و صدای جمعیت با صدای بلند و همراه گریه فریاد زد: ای رسول خدا چه مصیبت‌هایی پس از تو از پسر خطاب و پسر ابوقحافه می‌بینم. گروهی با شنیدن گریه فاطمه دلشان به درد آمد و با گریه آنجا را ترک کردند؛ اما عمر با گروهی دیگر باقی ماندند.» (الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۶)

بنابراین حضرت صدیقه طاهره، هنگام هجوم، با دیدن عمر و همراهانش در را بست و نزدیک در ایستاده بود و احتمال نمی‌داد که با وجود آن حضرت متعرض خانه شوند

همسران رسول خدا (ص) و باز کردن در برای نامحرم:

موارد گوناگونی در کتاب‌های شیعه و اهل سنت وجود دارد که رسول خدا (ص) به همسرانش اجازه می‌داد تا در خانه را به روی دیگران (نا محرمان) باز کنند. الف: ام سلمه و باز کردن در خانه برای علی (ع):

رسول خدا (ص) از خانه زینب دختر جحش بیرون آمد و وارد خانه ام سلمه شد؛ چون آن روز نوبت آمدن آن حضرت به خانه وی بود، مدتی نگذشته بود که علی آهسته دق الباب کرد، رسول خدا (ص) بیدار شد، ام سلمه پاسخ نداد، پیامبر فرمود: بلند شو و در را باز کن. (تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضائلها و تسمیة من حلها من الأمائل، ج ۴۲، ص ۴۷۰-التدوین فی أخبار قزوین، ج ۱، ص ۸۹)

ب: عائشه به دستور رسول خدا (ص) در را برای علی (ع) باز کرد:

...من نیز نزد فاطمه رفتم و در کنار حسن و حسین همه خوشحال بودیم، سپس به طرف خانه عائشه رفتم و در زد، گفت: کی هستی؟ گفتم: علی، گفت: پیامبر استراحت می‌کند، برگشتم و دو مرتبه رفتم و در را کوبیدم، گفت: کیستی؟ گفتم: علی، گفت: پیامبر را کاری است، دلم طاقت نیاورد، برای دفعه سوم دق الباب کردم، عائشه گفت: کیستی؟ گفتم: علی، صدای رسول خدا را شنیدم، فرمود: ای عائشه در را باز کن، عائشه در را باز کرد و من وارد شدم... (الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۹۲ و ۲۹۳-بحار الأنوار، ج ۳۸ ص ۳۴۸)

آنچه گذشت به عنوان نمونه ذکر شد که در آن‌ها رسول خدا (ص) با توجه به این که خود حضرتش در خانه حضور داشت اجازه می‌داد تا همسرانش در را برای افراد نا محرم باز کنند، و این نشان می‌دهد که این عمل با رعایت وظایف شرعی منعی نخواهد داشت.

نتیجه:

اولاً: صدیقه شهیده، پشت در نرفت؛ بلکه جلوی در ایستاده بود که با دیدن عمر و همراهان او به داخل خانه رفت و در را بست؛ پس اصلاً حضرت زهرا سلام الله علیها پشت در نرفته بود تا این اشکال پیش بیاید؛ ثانیاً: حتی اگر این مطلب صحت نیز داشته باشد و حضرت پشت در رفته باشد، به دلیل این که عین همین قضیه برای رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش آمده و آن حضرت به همسران خود دستور داده‌اند که در را باز نمایند، این اشکال دفع می‌شود.

گروه پاسخ به شبهات مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)

از دل تنگت بگو

بی صبرانه و مشتاقانه منتظر پیامک‌ها و نظراتتون هستیم.

۰۳**۹۱۵: سلام خسته نباشید بازم مثل همیشه عالی و بیست بودین امیدوارم از این عالیتز و بهتر و مهمتر بشید. موفق باشید.
۹۷**۹۱۵: دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان بر تشنه ای بارد.

پیامک ۰۹۱۵۲۴۷۸۰۰۳ website derang: www.derang313.blog.ir Email: derang313@gmail.com